یادداشت

خودخواهی اروپایی‌ها

احمد شیرزاد

در یادداشت قبلی گفتم که در المپیاد جهانی فیزیک سال قبل، که کشور ما میزبان آن بود، کشورهای اروپایی شرکت نکردند. در واقع، دولت‌های اروپایی معمولا به شهروندان‌شان توصیه می‌کنند که به ایران سفر نکنند. البته این کار نوعی تحریم ایران به بهانه ناامنی است. بگذریم. از حدود شش ماه قبل از المپیاد ۲۰۲۴ در ایران، نمایندگان کشورهای اروپایی فشار عجیبی می‌آوردند که چون ما نمی‌توانیم یا نمی‌خواهیم به ایران بیاییم شما المپیاد را به نوعی غیرحضوری کنید یا اینکه شعبه‌ای از آن را در محلی دیگر، مثل کشور امارات، برگزار کنید. ما این را نوعی توهین تلقی کردیم و زیر بار آن نرفتیم. ماجرا گذشت و المپیاد در ایران بدون حضور آنها برگزار شد.

اما بشنوید از یک ماجرای موازی با این جریان. پس از حمله روسیه به اوکراین تلاش گسترده‌ای برای اخراج روس‌ها و متحد آنها، کشور بلاروس، از رخدادها و نهادهای بین‌المللی علمی و فرهنگی انجام شد، که سردمدار آن اروپایی‌ها و برخی از اقمار شوروی سوسیالیستی سابق، مثل لهستان و گرجستان و امثال آنها بودند. در سال ۲۰۲۳، یعنی یک سال قبل از میزبانی ایران، المپیاد جهانی فیزیک در ژاپن برگزار شد. در آن سال اروپایی‌ها برگزارکننده ژاپنی را تهدید کرده بودند که اگر از روسیه و بلاروس دعوت کنید، ما دسته‌جمعی در آن حضور نخواهیم یافت. این باعث شد روس‌ها به طور غیررسمی زیر عنوان میهمانان المپیاد در مسابقه شرکت داده شوند که نوعی رفتار تحقیرآمیز نسبت به آنها بود. نوبت ما که شد این تهدید موضوعیت خود را از دست داد؛ چون در هر حال اروپایی‌ها اعلام کرده بودند که در المپیاد ایران شرکت نمی‌کنند. در نتیجه هیچ دلیلی برای دعوت‌نکردن از روس‌ها وجود نداشت و ما تیم‌های روسیه و بلاروس را رسما در المپیاد ایران شرکت دادیم. اتفاق جالب این بود که روس‌ها در مجمع بین‌المللی المپیاد در ایران موقعیت را غنیمت شمردند و پیشنهاد میزبانی المپیاد جهانی فیزیک در سال ۲۰۳۰ را دادند (تمام میزبان‌ها تا سال ۲۰۲۹ قبلا تعیین شده بودند). تنها مخالف، نماینده گرجستان بود که صدایش چندان شنیده نشد و میزبانی روس‌ها برای المپیاد ۲۰۳۰ با اکثریت قاطع رأی آورد. امسال در مجمع جهانی المپیاد که در تاریخ ۲۳ جولای در پاریس برگزار شد، بغض ضدروسی اروپایی‌ها ترکید. نماینده اوکراین عَلَم را بلند کرد و پشت سرش گرجی‌ها، نماینده‌ای از کانادا، آلمانی‌ها، استونیایی‌ها و چند نفر دیگر یکی پس از دیگری مجمع جهانی و رئیس سنگاپوری آن را به رگبار بستند. حرفشان چه بود؟ می‌گفتند در رأی‌گیری پارسال ما نبودیم و الان که هستیم دوباره می‌خواهیم میزبانی روس‌ها را به رأی بگذاریم. این را در پرانتز بگویم که طبق اساسنامه المپیاد، هر نوع نگاه و فعالیت سیاسی در برگزاری المپیاد ممنوع است و همه کشورها، صرف‌نظر از مواضع سیاسی خود، به طور یکسان حق شرکت در این برنامه را دارند. در آن شب تاریخی، به تدریج که بحث داغ شد نمایندگان بسیاری از کشورها از فشار سیاسی اروپایی‌ها به مجمع دلخور شدند. هرچند خیلی کسی رغبت نداشت به طرفداری از روس‌ها سینه سپر کند، اما این حد از تحمیل عقیده از طرف اروپایی‌ها نیز مشمئزکننده بود. نهایتا جوسازی اروپایی‌ها به خودشان برگشت و نتیجه‌ای عاید آنها نشد. قرار شد این بحث با پیشنهادهای رسمی و مشخص به سال بعد، در المپیاد جهانی فیزیک در کشور کلمبیا موکول شود. ما در این مجمع با درایت سیاسی وارد دعوای روس‌ها و اروپایی‌ها نشدیم؛ چون احتمال داشت بی‌جهت جریان بحث علیه ما نیز شکل بگیرد. اما صحبت نهایی من در ادامه نظرات برخی دیگر از سرپرستان تیم‌ها، با این مضمون که «جمع کنید این بحث خسته‌کننده سیاسی را» و «شما مجمع بین‌المللی را تحت فشار گذاشته‌اید»، تیر خلاصی شد که اروپایی‌ها را از رسیدن به نتیجه مطلوبشان لااقل تا یک سال دیگر بازداشت. این ماجرا دو نتیجه جالب برای من داشت: یکی احسنت‌گفتن به خودمان بود که سال گذشته در پی ناز و ادای اروپایی‌ها خود را ملزم به رعایت محدودیت‌های غیررسمی و غیرقانونی علیه روس‌ها ندیدیم. حرص و عصبانیت اروپایی‌ها نشان داد که چه حالی از آنها گرفته‌ایم. نتیجه شایان توجه دیگر بروز خودخواهی اروپایی‌ها بود. آنها گویی با خودشان فکر می‌کنند وقتی ما نمی‌توانیم برای یک رویداد بین‌المللی به کشوری برویم، آن کشور موظف است برنامه را با محدودیت‌های ما تنظیم کند. بعد هم فکر می‌کنند که وقتی ما نیستیم شما حق ندارید روی چیزی که ما نسبت به آن حساسیت داریم تصمیم‌گیری کنید و اگر کردید، باید با اراده ما همه چیز برگردد. چگونه می‌شود به این جماعت حالی کرد که شما بخشی از دنیا هستید نه همه دنیا.

خبر

بررسی شکایت از «ظهره‌وند» در هیئت نظارت؛ پاسخ به دادسرای رسانه ارسال شد

سخنگوی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان از بررسی پرونده اعلام جرم دادستانی تهران علیه «ابوالفضل ظهره‌وند»، نماینده تهران در جلسه این هیئت خبر داد و گفت که پاسخ هیئت نظارت به شعبه ۹ بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه اعلام شد. فرشاد ابراهیم‌پور در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به بررسی پرونده اعلام جرم دادستانی تهران علیه «ابوالفضل ظهره‌وند»، نماینده تهران و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در جلسه اخیر هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان، گفت: با توجه به ارجاع گزارش مربوطه از سوی شعبه ۹ بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه که حاوی مستنداتی از شورای عالی امنیت ملی بود، هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان جلسه‌ای با هدف بررسی دقیق و کارشناسی موضوع، تشکیل داد. او افزود: مرجع قضائی در چارچوب ماده ۱۰ قانون نظارت بر رفتار نمایندگان، از هیئت خواست تا نظر خود را درباره این موضوع اعلام کند که آیا اظهارات آقای ظهره‌وند، نماینده تهران، در چارچوب وظایف نمایندگی بوده است یا خیر. ابراهیم‌پور ادامه داد: پس از بررسی‌های حقوقی، اخذ اظهارات ایشان، تبادل نظر میان اعضای هیئت و با لحاظ قوانین موضوعه، پاسخ هیئت به صورت محرمانه و در چارچوب ملاحظات قانونی، به مرجع استعلام‌کننده اعلام شد. سخنگوی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان در پایان تأکید کرد: با توجه به محرمانه‌بودن استعلام و ماهیت حقوقی پرونده، امکان ارائه جزئیات بیشتر وجود ندارد.

مرکز رسانه قوه قضائیه ۲۴ تیرماه اعلام کرد: «در پی اظهارات خلاف امنیت ملی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در رابطه با جنگ تحمیلی ۱۲روزه که موجب تشویش اذهان عمومی شده است، دادستانی تهران ضمن تشکیل پرونده قضائی علیه این نماینده مجلس اعلام جرم کرد».

بررسی امکان شکست مذاکرات با اروپا و احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه در گفت‌وگو با سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

پایان دیپلماسی؟

عبدالرحمن فتح‌الهی: اگرچه مذاکرات اخیر در استانبول بارقه‌ای از امید برای دیپلماسی ایجاد کرد، اما بیانیه تروئیکای اروپایی و اظهارات وزیر خارجه فرانسه درباره لزوم توافقی جامع شامل ابعاد هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای، نشانه‌ای آشکار از رویکرد زیاده‌خواهانه اروپاست. پاریس، برلین و لندن با خروج از چارچوب پیشین برجام و تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، عملا مسیر شکست مذاکرات را دنبال می‌کنند. اروپا در برابر بدعهدی‌های آمریکا و اقدامات تحریک‌آمیز مانند حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، سکوت اختیار کرده و فقط تهران را مسئول معرفی می‌کند که این امر توازن در گفت‌وگوها را از بین می‌برد. ایران بارها تأکید کرده که فقط در صورت دریافت تضمین‌های امنیتی معتبر، حاضر به ادامه مذاکرات است. تهدیدات مستمر به بازگرداندن تحریم‌ها، این تضمین‌ها را بی‌اثر و فضای بی‌اعتمادی را تشدید می‌کند. اصرار اروپا بر مطالبات حداکثری و نادیده‌گرفتن واقعیت‌های منطقه‌ای و امنیتی ایران، نشانه‌ای از فقدان اراده واقعی برای رسیدن به توافق است. اگر این رویکرد اصلاح نشود، مذاکرات استانبول و سایر تلاش‌های دیپلماتیک به‌جای گشودن مسیر تفاهم، ممکن است آغازگر بحرانی تازه باشند. اما اینکه واقعا اروپا از کلیدزدن مذاکرات با ایران چه هدفی را دنبال می‌کند، سؤالی است که پاسخ آن محور گفت‌وگوی «شرق» با سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، رایزن فرهنگی اسبق ایران در امارات متحده عربی و دبیر علمی کنفرانس امنیتی تهران است. متن پیش‌رو مشروح گپ‌وگفت با رئیس پیشین دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی است که از نظر می‌گذرانید.

●●●

جناب فیروزآبادی، ۲۴ ساعت بعد از مذاکرات روز جمعه ایران با معاونان تروئیکای اروپایی و اتحادیه اروپا، شاهد بودیم که سران آلمان، فرانسه و انگلستان در یک بیانیه مشترک، تهران را دوباره به فعال‌سازی مکانیسم ماشه تهدید کردند. یک روز بعد از آن نیز وزیر امور خارجه فرانسه از توافق جامع با تهران درباره مسائل هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای سخن گفت. آیا این اقدامات نشان‌دهنده این است که اروپا به دنبال به شکست کشاندن مذاکرات است؟

برای درک سیاست اروپا در قبال مذاکرات با ایران، باید به این سؤال مشخص پرداخت که چرا تروئیکا به دنبال فعال‌سازی مکانیسم ماشه است؟ من پیش‌تر در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» تأکید کردم که پرونده هسته‌ای ایران راه‌حل نظامی ندارد، کمااینکه در تجاوز ۱۲روزه آمریکا و اسرائیل، برنامه هسته‌ای ایران متوقف نشد. اما اکنون آمریکا در یک پارادوکس و بن‌بست راهبردی قرار دارد؛ زیرا از یک سو مدعی است با این بمباران، تأسیسات هسته‌ای ایران از بین رفته و هم‌زمان به دنبال آغاز مذاکرات از کانال اروپاست. حال سؤالم اینجاست که اگر تأسیسات از بین رفته، پس چرا اروپا به دنبال فعال‌سازی مکانیسم ماشه و فشار به تهران است؟

در مقابل طبق برخی گزارش‌ها، این حملات باعث نابودی برنامه هسته‌ای ایران نشده است. این نشان می‌دهد که راه‌حل میانی از طریق دیپلماسی است، نه نظامی و بمباران. پیش از مذاکرات عمان، دونالد ترامپ بارها گفته بود «یا بمباران یا توافق». در نهایت هم توافقی نشد و با بمباران هم برنامه هسته‌ای ایران متوقف نشد. در چنین شرایطی، آمریکا نمی‌تواند دوباره ایران را با فشار پای میز مذاکره بکشاند؛ چون خود آمریکایی‌ها به میز مذاکره حمله و آن را نابود کردند. در این شرایط، اروپا تنها ابزاری خواهد بود که آمریکا می‌تواند از طریق آن ایران را برای مذاکره تحت فشار قرار دهد. بنابراین تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط اروپایی‌ها، اهرم فشار آمریکا بر تهران است.

پس اینجا شاهد یک احاله مسئولیت به اروپا هستیم؟

دقیقا. اینجا آمریکا مسئولیت این کار را به اروپا سپرده است، کمااینکه مسئولیت حمله و تجاوز نظامی علیه ایران به اسرائیل سپرده شد. وقتی اروپا مرتبا تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه می‌کند یا از مذاکرات و توافق جامع در حوزه‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای سخن می‌گوید، مستقل از آمریکا این کار را نمی‌کند؛ زیرا اروپا به نمایندگی از آمریکا درصدد کسب امتیازاتی است که پیش‌تر، ایالات متحده نتوانست از ایران به دست آورد. به بیان دیگر، اکنون اروپا اهرم فشار سیاسی بر ایران از طرف آمریکاست و اسرائیل نیز نقش اهرم فشار نظامی آمریکا را ایفا می‌کند.

ولی چه اروپا، چه آمریکا، چه اسرائیل و هر طرف دیگری، با علم به اینکه مطرح‌شدن مذاکرات جامع و توافق جامع درباره مسائل هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای از طرف ایران با پاسخ منفی قاطع همراه خواهد بود، با چه هدفی آن را مطرح می‌کنند؟ اساسا طرح دوباره آن چه معنایی دارد؟ آیا اروپا پیشاپیش به دنبال ترسیم مذاکرات شکست‌خورده است؟

به نظر من، این‌گونه مواضع صرفا بهانه و توجیهی برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه خواهد بود.

پس به باور شما مکانیسم ماشه در هر حال فعال خواهد شد؟

پیش‌بینی قطعی در عالم سیاست خارجی و دیپلماسی کار درستی نیست، اما به نظر من، با این رفتار آمریکا و اروپا، به نظر می‌رسد باید منتظر فعال‌شدن مکانیسم ماشه باشیم. در واقع اگر ایران به توافق مورد نظر آمریکا و پیرو آن اروپا نرسد، که به نظرم خیلی بعید است، فعال‌سازی مکانیسم ماشه بسیار محتمل است.

چرا؟

چون اروپا دیگر هیچ اهرم فشاری جز تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه ندارد و با همین اهرم باقی‌مانده، به دنبال تحمیل خواسته‌ها و مطالبات هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای خود به ایران هستند؛ زیرا در جریان مذاکرات نتوانستند زیاده‌خواهی‌های خود را تحمیل کنند و با حمله و تجاوز نظامی و بمباران هم برنامه هسته‌ای منهدم و متوقف نشد. اینجا تنها اهرم باقی‌مانده، مکانیسم ماشه است. در این بین، اروپایی‌ها هم نمی‌توانند بدون بهانه و توجیه سراغ فعال‌سازی مکانیسم ماشه بروند، لذا سعی می‌کنند مذاکراتی را طراحی کنند که می‌دانند پیشاپیش شکست‌خورده است؛ چون قطعا ایران حاضر به مذاکره مطلوب آمریکا و اروپا و دادن امتیازات هسته‌ای حداکثری و مذاکره در پرونده‌های منطقه‌ای و موشکی نخواهد بود، به‌ویژه پس از تجاوز اخیر آمریکا و اسرائیل که توان موشکی، پهپادی و دفاعی نظامی به‌شدت اهمیت و ارزش راهبردی پیدا کرده و باید درصدد احیا و ارتقای آن بود. پس واقعا اروپا به دنبال حل ریشه‌ای مشکلات و اختلافات نیست.

با این روندی که شما گفتید، اروپا با چه پروسه‌ای می‌خواهد مکانیسم ماشه را فعال کند؟

اولا مکانیسم ماشه بخشی از قطع‌نامه ۲۲۳۱ و خود برجام است؛ یعنی این مکانیسم شامل بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام و بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قطع‌نامه ۲۲۳۱ بوده که ضمیمه برجام است. اینجا ما شاهد یک تناقض هستیم.

چطور؟

اگر اروپا از طریق بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام به دنبال فعال‌سازی مکانیسم ماشه است، باید به عنوان طرف‌های برجامی به تعهدات خود در این سال‌ها عمل می‌کردند. همان‌طور که همه می‌دانیم، برجام برنامه جامع اقدام مشترک هسته‌ای است که ربطی به برنامه موشکی یا معادلات منطقه‌ای ایران نداشته و ندارد. اروپا نمی‌تواند در چارچوب برجام که به آن عمل نکرده با طرح مذاکرات جامع یا توافق جامع و ارتباط‌دادن آن به موضوعات منطقه‌ای و موشکی، دست به فعال‌سازی مکانیسم ماشه بزند. ضمن اینکه بسیاری از ناظران معتقدند اساسا برجام دیگر از حیز انتفاع خارج شده است؛ چون دونالد ترامپ از آن خارج شد، تروئیکای اروپایی و اتحادیه اروپا هم هیچ‌گاه نتوانستند گامی عملی در راستای تحقق تعهدات خود بردارند و پس از آن، ایران هم برمبنای اصل مقابله‌به‌مثل، گام‌های کاهش تعهدات برجامی خود را برداشت. پس برجام بی‌اثر و بلاموضوع است. حتی اگر فرض کنیم برجامی وجود دارد، وقتی اروپا هیچ تعهدی که در متن توافق نوشته شده و پای آن را امضا کرده‌اند، عملیاتی نکرده، چگونه می‌تواند از ایران انتظار داشته باشد که تعهدات مندرج در برجام را انجام دهد؟ می‌بینید که رفتار اروپا بخشی از پروژه فشار آمریکاست.

عکس: سهند تاکی/شرق

من در مصاحبه قبلی با شما و روزنامه «شرق» گفتم که اکنون راهبرد فشار حداکثری آمریکا، یک فشار چندبعدی و چندلایه سیاسی، دیپلماتیک، نظامی، امنیتی و دفاعی است. پیش‌تر این سیاست فشار حداکثری فقط شامل تحریم‌های اقتصادی و تجاری بود. حالا در یک تقسیم کار، آمریکا اهرم فشار سیاسی و دیپلماتیک را به اروپا سپرده و اهرم فشار نظامی و امنیتی را به اسرائیل داده و خودش هم در کنار سیاست فشار حداکثری و افزایش تحریم‌ها، به دنبال مدیریت دیپلماسی اجبار از طریق همه اهرم‌های فشار سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، امنیتی و نظامی است.

با این تفاسیر، وقتی اروپا سه شرط آغاز مذاکرات ایران و آمریکا، همکاری با آژانس و تعیین تکلیف اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی را به عنوان شروط برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه مطرح می‌کند، آیا تأییدکننده حرف شماست؟

اتفاقا به همین دلیل است که به نظر من، مذاکرات با اروپا حتی اگر به نتیجه برسد، باز تضمینی جدی برای ایران نخواهد بود؛ چون باید با چراغ سبز و موافقت آمریکا همراه باشد. اگر اروپا مستقل از آمریکا به دنبال مذاکره است، پس چرا یکی از شروطش برای فعال‌نشدن مکانیسم ماشه، آغاز مذاکرات ایران و آمریکاست؟ این نشان می‌دهد که اساسا خود آمریکایی‌ها، اروپا را به اهرم فشار سیاسی و دیپلماتیک تبدیل کرده‌اند تا ایران دوباره به میز مذاکره با آمریکا بازگردد. اما باید به این نکته مهم هم اذعان داشت که اروپا یک بازی دو سر برد را برای منافع غرب آغاز کرده است.

به چه معنا؟

به این معنا که اگر با تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه ایران حاضر به مذاکرات جامع و توافق با اروپایی‌ها و بازگشت به گفت‌وگو با آمریکا شود، طبیعتا آنها توانسته‌اند با کمترین هزینه به اهداف و خواسته‌های خود برسند. اما اگر آن‌گونه که من تصور می‌کنم، ایران حاضر به مذاکره و عبور از خطوط قرمز خود نباشد، نهایتا مکانیسم ماشه فعال خواهد شد که تبعات خاص خود را دارد و فشارها بر تهران بیشتر می‌شود. در این صورت هم بخشی از خواسته‌های آنها محقق خواهد شد. واقعا بعید است ایران که در جریان جنگ تجاوزکارانه هیچ‌گونه امتیاز حداکثری نامعقولی را نداده، اکنون حاضر باشد با دیپلماسی و مذاکرات این امتیازات را بدهد. لذا به باورم در نهایت مکانیسم ماشه فعال خواهد شد، اما اروپا سعی می‌کند تا پیش از رسیدن به این نقطه، با کمترین هزینه به اهداف خود برسد و حتی پس از فعال‌شدن مکانیسم ماشه، این اتفاق با کمترین هزینه برای آنها انجام شود. اینجا ما شاهد یک پروژه فریب دیگر از سوی اروپایی‌ها هستیم، به این معنا که اروپایی‌ها می‌خواهند مسئولیت فعال‌سازی مکانیسم ماشه را به گردن ایران بیندازند و بگویند ما درخواست‌ها و مطالبات خود و حسن نیت برای مذاکرات را نشان دادیم، اما ایران حاضر به مذاکره نشد. کمااینکه آمریکایی‌ها هم در توجیه حملات اسرائیل و بمباران تأسیسات اتمی ایران ادعا کردند که مذاکرات مسقط به نتیجه نرسید و مجبور به این حمله شدیم. پس به نظر من، مذاکرات با اروپا و پیشنهادهایی چون تمدید یا تعلیق چندماهه مکانیسم ماشه با اروپا هم یک پروژه فریب است. ما باید محتاط و هوشیار باشیم که در این تله فریب نیفتیم.

اما چرا اروپا پیشنهاد تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه را مطرح کرده است؟

چون همان‌طور که گفتم، تنها برگ برنده و اهرم فشار در اختیار آنها همین مکانیسم ماشه است و قطعا نمی‌خواهند این اهرم فشار را از دست بدهند. به همین دلیل، پیشنهاد تمدید شش‌ماهه را مطرح کردند تا فشارها روی ایران باقی بماند. وگرنه سؤالم اینجاست که وقتی ایران حاضر نیست از خطوط قرمز خود عدول کند، پیشنهاد تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه چه معنا و توجیهی دارد؟ چون در نهایت، پس از این شش ماه، مکانیسم ماشه فعال خواهد شد. اما در این بین، باید چند نکته را مدنظر قرار داد. اول اینکه اروپا که تا پیش از این مذاکرات در حاشیه بود، اکنون به متن آمده است. درست است که باز هم نقش اهرم فشار آمریکا را بازی می‌کند، اما مذاکرات با ایران و اروپا کلید خورده است. دوم اینکه با همین نکته، اروپا درصدد باج‌گیری از ایران و هم‌زمان کسب امتیاز از آمریکاست. ضمن اینکه اگر دو شرط اروپا، یعنی آغاز همکاری با آژانس و تعیین تکلیف اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی هم محقق شود، خودبه‌خود باعث به شکست کشاندن راهبرد ابهام هسته‌ای ایران خواهد شد که یکی از خواسته‌ها و مطالبات اصلی اروپا و آمریکاست. به بیان دیگر، اروپا به نمایندگی از آمریکا درصدد کسب اطلاعات از وضعیت و سرنوشت تأسیسات هسته‌ای و ذخایر اورانیوم با غنای بالای ایران است.

می‌توان از این زاویه به مطرح‌شدن مطالبات موشکی و منطقه‌ای در مذاکرات اروپا هم اشاره کرد که دلایل و ریشه‌های آن می‌تواند در جنگ اوکراین نهفته باشد؟

نکته شما هم درست است. همان‌طورکه در پاسخ به سؤال قبلی گفتم، اروپا اکنون که به متن مذاکرات هسته‌ای با ایران بازگشته، درصدد ترسیم وضعیتی است که بتواند از ایران و همچنین از آمریکا امتیازات خود را بگیرد. یکی از خواسته‌ها و امتیازات اروپا از آمریکا این است که بتواند در جنگ اوکراین نقش فعال‌تری ایفا کند، کما اینکه طی یک ماه اخیر این اتفاق رخ داده است. ضمن اینکه مسئله ادعاها و اتهامات سال‌های گذشته پیرامون حمایت‌های تسلیحاتی ایران از روسیه در جنگ اوکراین هم مطرح بوده که اکنون اروپا سعی می‌کند با طرح مطالبات موشکی، به زعم خود این توان را از ایران بگیرد. بارها به این نکته اشاره شده که تحولات و تبعات ناشی از جنگ اوکراین، یکی از موضوعات مهمی است که سرنوشت برجام را تحت تأثیر قرار داد و همین مسئله سبب شده اکنون مواضع اروپا و آمریکا بیش از گذشته به هم نزدیک شود. در حالی که پیش از جنگ اوکراین، اروپایی‌ها سعی می‌کردند ولو در ظاهر هم شده مواضع متعادل‌تر و تعدیل‌شده‌تری نسبت به آمریکا در قبال ایران داشته باشند و به‌عنوان پیام‌رسان و میانجی عمل کنند. اما پس از جنگ اوکراین، اروپایی‌ها به مراتب رادیکال‌تر از آمریکایی‌ها عمل می‌کنند. افزون بر این، به علت قرابت جغرافیایی اروپا به ایران، اروپایی‌ها حساسیت بیشتری نسبت به ماهیت و برد موشک‌های ایران دارند. در واقع ادراک و پندار تهدید آنها از توان موشکی از آمریکا بیشتر است. واقعیت مهم دیگر این است که در اثر جنگ اوکراین از نقش سازنده روسیه نیز در مذاکرات هسته‌ای کاسته شده است.

این سؤال را هم بپرسم که چرا ایران چراغ سبزی به تمدید مکانیسم ماشه نشان نداد؟ آیا ایران این مکانیسم را استخوان لای زخمی می‌داند که سعی می‌کند هرچه سریع‌تر آن را تعیین تکلیف کند و آن‌طورکه برخی معتقدند، تهران از هم‌اکنون خودش را برای این اتفاق آماده کرده تا این اهرم فشار و شمشیر داموکلس از سر ایران کنار برود؟

من هم چنین تصوری دارم، کما اینکه سخنگوی وزارت امور خارجه به صراحت عنوان داشت که ایران موافق تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه نیست. همان‌طورکه قبلاً گفتم، تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه بحران را حل نمی‌کند، فقط آن را به تأخیر می‌اندازد و به قول شما، همان استخوان لای زخم باقی می‌ماند. وقتی قرار است در صورت تمدید شش‌ماهه، نهایتا مکانیسم ماشه فعال شود، پس چندان فرقی نمی‌کند که مهرماه این اتفاق بیفتد یا شش ماه بعد! اتفاقا به نظر من، فرسایشی‌کردن این اهرم فشار، اثرات منفی بیشتری بر کشور دارد و هرچه‌زودتر باید تعیین تکلیف شود؛ یا از طریق مذاکرات، اروپا را از این کار منصرف کرد یا اگر واقعا اروپا به دنبال مذاکره نیست و قرار است نهایتا آن را فعال کند، کشور برای مواجهه با آن آماده باشد. پس بهتر است هرچه زودتر این مکانیسم ماشه و اهرم فشار اروپایی‌ها از آنها گرفته شود. درست است که اگر مکانیسم ماشه فعال شود، تبعات و آثار مخرب خود را بر حوزه‌های اقتصادی، تجاری، دیپلماتیک و معیشتی دارد، اما بهتر از این است که اروپا مرتبا با این اهرم فشار به دنبال یک تهدید فرسایشی علیه ما باشد و آثار روانی آن مرتبا در جامعه تشدید شود. به قول عامیانه، مرگ یک‌بار، شیون هم یک‌بار. چون اروپا از یک سو با این خواسته‌های موشکی، منطقه‌ای و هسته‌ای به دنبال زیاده‌خواهی و حداکثر مطالبات و باج‌گیری است و از سوی دیگر، با مطرح‌کردن تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه، می‌خواهد چهره و ژست منعطفی از خود نشان دهد که ما حاضر بودیم برای ادامه گفت‌وگو با ایران این مکانیسم را تمدید کنیم، اما خود ایران حاضر به مذاکره نبود و نپذیرفت. این‌گونه بازی شماتت با ایران شروع می‌شود و توپ را در زمین ما می‌اندازند.

و تهران باید چه کاری انجام دهد؟

به نظر من، تا زمان انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ در مهرماه پیش‌رو، باید حداکثر تعامل را با اروپا داشته باشیم تا ما را متهم به عدم مذاکره و انفعال نکنند و نشان دهیم که حاضر به گفت‌وگو و مذاکره هستیم و واهمه‌ای از این مسئله نداریم. اما اگر در نهایت مذاکره جواب ندهد، قرار نیست با تهدید اهرم فشار مکانیسم ماشه، همه برگ‌های برنده خودمان را در اختیار اروپایی‌ها و در نهایت آمریکا قرار دهیم. واقعا منطقی و عاقلانه نیست که تن به شرایطی بدهیم که در سایه تمدید مکانیسم ماشه و فرسایشی‌کردن مذاکرات، همه امتیازات خودمان را بدهیم. به نظر من، اروپا تکلیفش با مکانیسم ماشه روشن است و آن را چه در شهریور و نهایتا مهرماه یا در صورت تمدید، فعال خواهد کرد. باز هم تکرار می‌کنم که کل پروسه مذاکره اروپا با ایران یک پروژه فریب است اما برای خنثی‌کردن آن باید به خود آن متوسل شد.

ادامه در صفحه ۳

خبر

رهبر انقلاب در مراسم بزرگداشت شهدای جنگ تحمیلی اخیر:

جمهوری اسلامی استحکام بی‌نظیر پایه‌های نظام و کشور را به دنیا نشان داد

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: به مناسبت چهلمین روز شهدای جنگ تحمیلی ۱۲روزه رژیم صهیونیستی بر ضد ملت ایران، دیروز مراسم بزرگداشت این شهدا از طرف رهبر انقلاب اسلامی در حسینیه امام خمینی(ره) و با حضور خانواده‌های شهدا و قشرهای مختلف مردم و همچنین با حضور جمعی از مسئولان برگزار شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این مراسم در سخنانی، این جنگ را موجب بروز اراده و قدرت جمهوری اسلامی و به‌رخ‌کشیدن استحکام بی‌نظیر پایه‌های آن خواندند و با تأکید بر اینکه علت اصلی دشمنی‌ها، مخالفت بدخواهان با ایمان، دانش و اتحاد ملت ایران است، گفتند: ملت ما به توفیق الهی راه تقویت ایمان و گسترش دانش‌های گوناگون را رها نخواهد کرد و به کوری دشمن خواهیم توانست ایران را به اوج ترقی و افتخار برسانیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تسلیت مجدد به بازماندگان سرداران نظامی، دانشمندان و مردم عزیزی که در جنگ اخیر به شهادت رسیدند، خاطرنشان کردند: ملت ایران علاوه بر افتخارات بزرگی که در این ۱۲ روز کسب کرد و امروز همه دنیا به آن اعتراف می‌کنند، توانست قدرت، استقامت، عزم و اراده و دستِ پُر خود را به دنیا نشان دهد، به‌طوری‌که همه قدرت جمهوری اسلامی را از نزدیک احساس کردند.

ایشان، تبلور استحکام بی‌نظیر پایه‌های جمهوری اسلامی را از دیگر امتیازات جنگ اخیر دانستند و افزودند: این حوادث برای ما بی‌سابقه نبود و جمهوری اسلامی در طول ۴۶ سال گذشته علاوه بر جنگ تحمیلی هشت‌ساله، بارها در مقابل حوادثی همچون کودتا، فتنه‌های گوناگون نظامی، سیاسی و امنیتی و وادارکردن افراد سست‌عنصر به اقدام در مقابل ملت قرار گرفته و همه توطئه‌های دشمن را خنثی کرده بود.

رهبر انقلاب، بنای جمهوری اسلامی را بر دو پایه «دین» و «دانش» خواندند و گفتند: مردم و جوانان ایران با تکیه بر این دو پایه دشمن را در میدان‌های مختلف به عقب‌نشینی وادار کردند و از این پس نیز همین‌گونه عمل خواهند کرد. ایشان علت اصلی مخالفت استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار با جمهوری اسلامی را دین و دانش و اتحاد ایرانیان زیر سایه قرآن و اسلام دانستند و گفتند: آنچه آنها به عنوان هسته‌ای، غنی‌سازی و حقوق بشر مطرح می‌کنند بهانه است و علت اصلی ناراحتی و مخالفت آنها به میدان آمدن سخن نو و توانایی‌های جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون علمی و دانش‌های انسانی، فنی و دینی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه ملت ایران به توفیق الهی دین و دانش خود را رها نخواهد کرد، افزودند: ما در راه تقویت دین و گسترش و تعمیق دانش‌های گوناگون خود قدم‌های بلندی برخواهیم داشت و به کوری دشمن خواهیم توانست ایران را به اوج ترقی و افتخار برسانیم.

در این مراسم، چند نفر از قاریان قرآن به تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید پرداختند و حجت‌الاسلام رفیعی نیز در سخنانی با استناد به خطبه ۱۸۲ نهج‌البلاغه به ویژگی‌های شهدای جنگ صفین اشاره کرد و این ویژگی‌ها را منطبق با شهدای جنگ تحمیلی ۱۲روزه اخیر دانست. استواربودن در مسیر، حرکت در راه حق، تلاوت قرآن و عمل به آن، اقامه واجبات، احیای سنت‌های الهی، مقابله با بدعت‌ها، حضور در جهاد و تبعیت از رهبری، هشت ویژگی بود که حجت‌الاسلام رفیعی به آنها اشاره کرد و گفت: براساس تصریح قرآن، ایمان و توکل، دو عامل اصلی نصرت الهی است که این دو عنصر در جنگ تحمیلی ۱۲روزه کاملا مشهود و زمینه‌ساز ایستادگی و پیروزی ملت ایران بود.

در این مراسم همچنین آقای محمدرضا بذری‌اشعاری در تجلیل از حماسه‌آفرینی شهدای جنگ با دشمن صهیونیستی قرائت کرد و به مرثیه‌سرایی در مصائب آل‌الله پرداخت.